

سیاست جنگی طالبان پس از خروج امریکا از افغانستان چیست؟

انزوای سیاسی، خط قرمز طالبان

جاوید حسینی

جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده با اعلام خروج بی‌قید و شرط نظامیان این کشور از افغانستان به جنگ 20 ساله امریکا در افغانستان پایان بخشید اما از زمان اعلام این خبر، آتش جنگ در افغانستان وارد فاز جدیدی شد، چراکه طالبان دریافت، پس از این، نیروهای دولتی افغانستان نه پشتیبانی هوایی و نه مشاوره نظامی امریکا را همراه ندارد. از این زمان به بعد می‌توان تغییر محسوس را در سیاست جنگی طالبان مشاهده کرد که احتمالاً همین سیاست در ماه‌های آینده نیز ادامه خواهد یافت. از جمله نتایج این سیاست سقوط پی‌اپی و لسوالی‌ها و مناطق در نقاط مختلف افغانستان است. برخی از مهم‌ترین شاخصه‌های سیاست جنگی طالبان عبارتند از:

1- روی آوردن به جنگ منظم

از سال 2005 که طالبان بار دیگر قد علم کرد، تاکتیک‌های جنگی این گروه تحت تاثیر متغیرهای گوناگون تغییر کرده است. انواع تاکتیک‌ها از جمله جنگ منظم، حملات انتحاری، بمب‌گذاری کنار جاده‌ای، حملات گوریلابی را تجربه کرد. یکی از مهم‌ترین شاخصه تغییر رفتار طالبان در دو ماهه اخیر، روی آوردن به جنگ منظم جبهه‌ای است. حملات هوایی نظامیان امریکایی و دولت افغانستان در جنگ‌های منظم سبب وارد شدن تلفات سنگین به جنگجویان طالبان شده بود به همین دلیل این گروه در سال‌های اخیر جنگ منظم را کنار گذاشته بود و در عوض از حملات انتحاری، انفجاری و گوریلابی استفاده می‌کرد. اما بعد از کنار رفتن امریکا از جنگ افغانستان یکی از بارزترین تاکتیک‌های جنگی طالبان، روی آوردن به جنگ منظم است. البته فاکتور حملات هوایی نیروهای دولتی افغانستان همچنان پابرجاست که بعداً بدان پرداخته خواهد شد.

2- پراکندن جبهه جنگ

طالبان با توجه به ارزیابی که از نیروهای نظامی افغانستان و توان

عملیات هوایی نیروهای دولتی داشته، تاکتیک جنگی متناسب با آن را اختیار کرده است. در برابر جنگ منظم طالبان نیروهای عادی ارتش و پلیس کارایی چندانی ندارند و تکیه دولت افغانستان به دو ابزار مهم است: حملات هوایی و نیروهای ویژه (یگان‌هایی در ارتش ملی و پلیس این کشور که به‌طور ویژه آموزش دیده و تجهیز شده‌اند). در هر جایی که این دو در کنار هم علیه طالبان وارد عملیات شده‌اند، شکست طالبان قطعی بوده اما تعداد و توان این دو ابزار کاربردی دولت افغانستان محدود است. با توجه به این محدودیت این‌بار طالبان هوشمندانه جغرافیای جنگ را در نقاط وسیعی از افغانستان توزیع کرده است تا این دو ابزار نتوانند سدی در برابر آن ایجاد کنند.

3- تمرکز بر جغرافیای شمال

به نظر می‌رسد طالبان در حملات طالبان جدید تمرکز خود را بر ولایت‌های شمالی گذاشته است. 77 ولسوالی از شمال افغانستان در مدت دو ماه به تصرف این گروه درآمده است. در حالی که این آمار در جنوب 41 ولسوالی، در شرق 3 ولسوالی، در غرب 13 ولسوالی و در مرکز 5 ولسوالی است.

مهم‌ترین تحلیلی که برای این سیاست طالبان می‌توان ذکر کرد، این است که طالبان با توجه به تجربه‌ای که از زمان سقوط دارد و با توجه به اینکه این جغرافیا با طالبان نامانوس است، سخت‌ترین کار را در این جغرافیا خواهد داشت لذا این گروه خیز برای تصرف جغرافیا را از این مناطق آغاز کرده تا قبل از شکل‌گیری هر گونه مقاومتی بتواند، خطه شمال و رهبران سیاسی آن را غافلگیر کند. خطر چهره‌های ضد طالبانی مانند دوستم و عطا محمد نور به ویژه دوستم که سازش‌ناپذیرتر است، برای طالبان جدی است و به همین دلیل حمله طالبان به شمال را می‌توان نوعی تاکتیک غافلگیرانه یا پیشدستی این گروه در شمال تعبیر کرد.

4- استفاده از تمام ظرفیت

تعداد جنگجویان طالبان همیشه یکی از ابهام‌ها و در عین حال موارد اختلاف بین کارشناسان بوده است. اما به‌طور کل اعتقاد بر این است که این نیروها به دو دسته تقسیم می‌شوند:

- نیروهای در حال جنگ

- نیروهای ذخیره یا فصلی

درباره مجموع این نیروها کارشناسان و موسسه‌های تحقیقاتی ارقام مختلفی را ذکر می‌کنند که بخش عمده این نیروها فقط در اوج جنگ وارد میدان جنگ می‌شوند. جان سپکو بازرس ویژه آمریکا در امور بازسازی افغانستان طی سخنرانی در موسسه صلح ایالات متحده رقم جنگجویان طالبان را ۶۰ هزار تمام وقت و ۹۰ هزار جنگجوی فصلی

عنوان کرد.

با توجه به پراکندگی جنگ در جغرافیای وسیعی از شمال، شرق، غرب و جنوب افغانستان و تعداد بالای جنگجویان طالبان در این حملات با احتمال بالایی می‌توان گفت که طالبان در این برهه زمانی احتمالاً از تمام ظرفیت نیروهای خود استفاده کرده است.

5- افزایش جمعیت و جغرافیای تحت سلطه

جمعیت و جغرافیا از مولفه‌های مهم قدرت هستند و به نظر می‌رسد این مهم در دستور کار طالبان قرار گرفته. پیش از سقوط دومینووار و السوالی‌ها ارزیابی بر این بود که 88 ولسوالی از 388 ولسوالی افغانستان تحت کنترل طالبان قرار دارد (22 درصد) که سهم پنج و نیم میلیون نفر از جمعیت 33 میلیون نفری افغانستان را در خود جای داده بود. با تغییر سیاست جنگی طالبان، بعد از 25 فروردین سقوط دومینووار ولسوالی‌های شروع شد و تا به امروز 128 ولسوالی افغانستان سقوط کردند که از این بین تاکنون 16 ولسوالی بازپس گرفته شدند. لازم به ذکر است که برخی ولسوالی‌ها بدون هیچ درگیری از سوی نیروهای افغانستان تخلیه شد که دلیل آن هزینه‌بر بودن مقاومت در آن و عدم استراتژیک بودن موقعیت این ولسوالی است. بنابراین در یک بازه زمانی دو ماهه طالبان توانسته است حجم جغرافیا و جمعیت تحت سلطه خود را به دو برابر برساند.

6- تلاش برای کنترل شاهراه‌ها و گمرکات

سیاست دیگر طالبان در فاز جدید جنگی تسلط بر شاهراه‌ها و گمرکات افغانستان است. این گروه در مسیر جاده حلقه‌ای افغانستان به ویژه شاهراه کابل به شمال تلاش دارد تا نقاط استراتژیک را تصرف کند. همچنین حملات متعددی به نواحی مرز مشترک افغانستان با کشورهای تاجکستان، ایران، ازبکستان و ترکمنستان داشته و موفق شده است گمرک‌های آی‌خانم و شیرخان بندر در مرز با تاجیکستان را به تصرف درآورد. همچنین گمرک حیرتان در مرز با ازبکستان، گمرک آقینه در مرز با ترکمنستان و گمرک اسلام قلعه در مرز با ایران در معرض تهدید جدی قرار دارند و به تازگی دولت افغانستان به دلیل این تهدیدات صدها نیروی نظامی را در کمربندهای امنیتی گمرک حیرتان مستقر کرده است. کاربرد این تاکتیک دوگانه است؛ نخست آنکه در کنار فشار نظامی، فشار اقتصادی بر دولت تحمیل می‌شود. بر اساس خبرهای منتشر شده، حجم ورودی به گمرکات افغانستان به دلیل ناامنی‌ها به شدت کاهش یافته است که این موضوع تاثیر منفی بر درآمد دولت افغانستان در حال جنگ دارد. کاربرد دیگر آن درآمدزایی برای طالبان است و این گروه به جای دولت به اخذ مالیات اقدام می‌کند.

انتظار می‌رود با توجه به فقدان ابزارهای بازدارنده موثر بر طالبان و از طرفی سیاست ایالات متحده که نوعی چراغ سبز به عمل این گروه است، سیاست جنگی طالبان تا دو ماه آینده با همین مشخصات ادامه یابد که نتیجه آن سقوط دومینووار ولسوالی‌ها و تسلط این گروه بر بخشی از مناطق اقتصادی افغانستان است. این رویکرد جنگی طالبان طی دو ماه آینده از تصرف ولسوالی‌ها به تصرف مراکز ولایات تبدیل خواهد شد، مگر آنکه ابزار موثری برای تغییر بازی وارد صحنه شود. ترکیبی از نیروهای دولتی و نیروهای خیزش مردمی ممکن است بتواند تغییر موثری در قاعده بازی طالبان ایجاد کند. طی ماه‌های آتی اگر طالبان جو بین‌المللی را علیه خود ببیند، ممکن است با دست پر و از موضع قدرت به میز مذاکره برگردد در غیر این صورت وضع موجود ادامه خواهد یافت. طالبان راضی به انزوای سیاسی افغانستان نیست، چراکه برای حضور موثر در حاکمیت و تداوم حاکمیت مورد نظرش، به تعامل موثر با کشورهای اثرگذار نیاز دارد و به همین جهت احتمال حالت نخست بیشتر است و احتمالاً پیش از سرد شدن هوا مذاکره جدی با جناح‌های افغانستانی آغاز شود. نکته قابل توجه امنیتی دیگر در افغانستان احتمال رشد و جان گرفتن مجدد داعش است. با توجه به اینکه ظرفیت دولت و طالبان علیه یکدیگر استفاده می‌شود، بازیگر سوم یعنی داعش می‌تواند فرصتی برای احیا پیدا کند.

پژوهشگر موسسه مطالعات راهبردی شرق

طی ماه‌های آتی اگر طالبان جو بین‌المللی را علیه خود ببیند، ممکن است با دست پر و از موضع قدرت به میز مذاکره برگردد در غیر این صورت وضع موجود ادامه خواهد یافت. طالبان راضی به انزوای سیاسی افغانستان نیست، چراکه برای حضور موثر در حاکمیت و تداوم حاکمیت مورد نظرش، به تعامل موثر با کشورهای اثرگذار نیاز دارد و به همین جهت احتمال حالت نخست بیشتر است و احتمالاً پیش از سرد شدن هوا مذاکره جدی با جناح‌های افغانستانی آغاز شود.